

## بررسی شاخص‌های فرهنگ جهادی در اندیشه مقام معظم رهبری

mz224@chmail.ir

shaban1351@yahoo.com

محمد زنگی‌آبادی / کارشناس ارشد علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی\*

قاسم شبان‌نیا / دانشیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی\*

پذیرش: ۹۶/۶/۳۰

دریافت: ۹۵/۱۱/۳

### چکیده

فرهنگ جهادی یک فرهنگ پیشرو و غیرایستا در جامعه اسلامی است و در صورت تحقق، می‌تواند موانع مقابل انقلاب، نظام و جامعه اسلامی را از میان بردارد. برای تحقق این مهم، باید شاخص‌های مطلوب آن را ارزیابی کرد و بعد از شناسایی، به عرصه اجرا درآورد. از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ جهادی، می‌توان به بصیرت، عمل بهنگام، اخلاص، استقامت، تکلیف‌مداری و اطاعت از رهبری اشاره کرد. این نوشتار کوشیده است تا با تأکید بر فرمایش‌های مقام معظم رهبری و با روش «توصیفی - تحلیلی»، این شاخص‌ها را بررسی کند. هدف این پژوهش استخراج شاخص‌های «فرهنگ جهادی» از فرمایش‌های رهبر انقلاب است تا الگویی برای رفتارهای اجتماعی در نظام اسلامی، به‌ویژه در بخش سیاسی، قرار گیرد. برای نمونه، اگر الگوی فرهنگ جهادی وارد حوزه فرهنگ سیاسی ما شود شاخص‌های فرهنگ سیاسی و مشارکت عمومی به گونه‌ای چشمگیر رشد خواهد داشت. نتیجه اینکه شاخص‌های گفته شده، که از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ جهادی در نگاه مقام معظم رهبری است می‌تواند نظام و جامعه اسلامی را برای رسیدن به سطح مطلوب یاری رساند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، جهاد، فرهنگ جهادی، شاخص‌ها.

## مقدمه

تبیین گردد. از این رو، در بخش اول این مقاله مفاهیمی همچون «فرهنگ»، «جهاد» و «فرهنگ جهادی» بررسی خواهد شد. سپس یک‌یک شاخص‌های فرهنگ جهادی را برشمرده و به تبیین آن از دیدگاه رهبر انقلاب خواهیم پرداخت.

درباره پیشینه این اثر، باید گفت: آثاری که در زمینه فرهنگ جهادی ملاحظه شد عمدتاً به صورت کلی به فرهنگ جهادی پرداخته و از تبیین شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها خودداری ورزیده‌اند. برای نمونه، کتاب *از جهاد تا جهاد*، اثر حسن، و مجموعه مقالات همایش «فرهنگ و مدیریت جهادی با تأکید بر نوآوری و شکوفایی» را می‌توان نام برد. جنبه نوآوری این پژوهش آن است که درصدد بیان شاخص بوده و از فرمایش‌های رهبر انقلاب مؤلفه‌های فرهنگ جهادی را استخراج کرده است.

## تبیین مفاهیم

## الف. فرهنگ

**معنای لغوی:** از جمله معانی فرهنگ که در لغت‌نامه‌ها بیان شده است، می‌توان به «تعلیم و تربیت، علم و دانش و ادب، مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم» اشاره کرد (رک: دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۵۱۰۹؛ معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۵۳۸ و ۲۵۳۹).

آنچه را می‌توان به‌عنوان حد مشترک این معانی در نظر گرفت ارتباط مقوله «فرهنگ» با بعد ارزشی و روحی انسان است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که فرهنگ بیشتر جنبه معنوی دارد.

**معنای اصطلاحی:** در اصطلاح، نمی‌توان توافقی بین جامعه‌شناسان بر یک معنای واحد از فرهنگ یافت. معنای ذیل شاید بتواند تا حدی انتظارات ما را از این اصطلاح برآورده کند. فرهنگ عبارت است از: «ارزش‌ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه، مشتمل بر سنت‌ها، آداب و رسوم، مذاهب، ایدئولوژی‌ها، تشریفات مذهبی، میراث و زبان و کلیه عادت‌ها یا دیدگاه‌های مشترک دیگر» غیر از موارد بیان شد (جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

فرهنگ دارای لایه‌های گوناگونی است. لایه سطحی آن شامل عادت‌ها و آداب و رسوم و قوانین است که ظواهر رفتاری انسان را شکل می‌دهد. در پس این لایه سطحی، اخلاق و

در پرتو ظهور اسلام، الگوهای اجتماعی منحصر به فردی شکل گرفت که اگرچه در میان ملل و ادیان سابق کمابیش سوابقی از آن به چشم می‌خورد، اما در بستر فرهنگ و معارف اسلامی، این الگوها تبلور ویژه‌ای پیدا کرده و در مناسبات اجتماعی و پیشبرد اهداف کلان جامعه اسلامی مؤثر بوده است. یکی از مهم‌ترین این الگوها را می‌توان «فرهنگ جهادی» یا همان «جهاد» دانست. با توجه به اینکه اسلام از ابتدا بسیاری از قالب‌های فکری و اجتماعی زمان خود را به مبارزه طلبید و برتری خود را به نمایش گذاشت، بدیهی است که از سوی دنیاپرستان آماج هجمه و اعتراض قرار بگیرد و از همان زمان تاکنون ناچار باشد برای ادامه حیات خود، در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی به مبارزه با رقیبان پردازد. این مبارزه نیازمند الگویی جامع و مؤثر است که از آن به «فرهنگ جهادی» تعبیر می‌شود. «فرهنگ جهادی» یعنی اینکه روحیه ایثار، تلاش مضاعف، مبارزه و مقاومت در مقابل دشمن در همه عرصه‌ها در یک ملت تبدیل به فرهنگ رایج شده، مورد اقبال عمومی قرار گیرد. تمسک به فرهنگ جهادی از سوی جامعه اسلامی لازمه ادامه حیات اسلام در جامعه است و با توجه به تعداد پرشمار دشمنان انقلاب و اسلام نمی‌توان بدون استمداد از فرهنگ جهادی جامعه‌ای اسلامی با شاخص‌های انقلابی را سر پا نگه داشت.

حال که اهمیت بحث روشن گردید، سؤال این است که چگونه می‌توان فرهنگ جهادی را شناخت و در جهت نیل به آن قدم برداشت؟ از آن رو که شناخت هر پدیده‌ای مستلزم شناخت شاخص‌ها و عوارض آن است در خصوص فرهنگ جهادی نیز اگر بخواهیم آن را به خوبی شناخته، موجبات گسترش آن در جامعه را فراهم کنیم، باید به شاخص‌های آن توجه ویژه مبذول داشته باشیم و با شناخت شاخص‌ها، زمینه فراگیر شدن این فرهنگ غنی و مقاوم را در جامعه فراهم کنیم. در حقیقت، فرهنگ جهادی را باید عنصری چندبعدی دانست که شاخص‌های اصیل فرهنگ اسلامی، مثل اخلاص و بصیرت را در خود جمع کرده است و نحوه کنش و تعامل بین این عناصر را به خوبی مدیریت می‌کند.

در این نوشتار، سعی بر آن است که شاخص‌های مهم فرهنگ جهادی با توجه به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری - مدظله‌العالی -

واژگان «قتال» و «حرب»، رابطه عموم و خصوص من وجه دارد؛ زیرا واژه «جهاد» از یک سو، فقط درباره جنگ مقدس و مشروع به کار رفته و همیشه ستایش و تحسین شده است، در حالی که واژه «حرب» و «قتال» جز آنگاه که این اعمال به حق و در راه خدا باشد، ستایش نشده است.

از سوی دیگر، واژه «جهاد» مختص معنای جنگ نیست، بلکه در بردارنده هرگونه تلاش و به‌کارگیری نیروها، اعم از فیزیکی و روانی است و حتی صرف مال در کارهای خدایسندانه و تأمین هزینه‌های نظامی «جهاد مالی» نامیده می‌شود؛ چنان‌که مبارزه با هواهای نفسانی و انگیزه‌های شیطانی «جهاد اکبر» خوانده می‌شود (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۱ و ۳۲).

از منظر رهبر انقلاب، «همه معنای جهاد، جهاد با شمشیر و تفنگ که نیست، هر تلاش شما یک جهاد است. جهاد یعنی: مجاهدت کردن و تلاش کردن» (حسینی خامنه‌ای، ۲۹ بهمن ۱۳۷۰). در نهایت، ایشان برای جهاد معیاری را مشخص می‌کنند که بتواند وجه جامعی بین همه معانی اصطلاحی جهاد باشد. ایشان «جهاد» را مرادف «مبارزه» در زبان فارسی می‌دانند و آن را به معنای تلاش پرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن تعریف می‌کنند. بنابراین، جهاد و مبارزه همه جا به معنای «جنگ مسلحانه» نیست، اگرچه بر جنگ نیز اطلاق می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۲۰ آبان ۱۳۸۳).

بنابراین، دو شاخص در مبارزه ضروری است: اول اینکه در مبارزه جد و جهد و تحرک باشد؛ دوم اینکه در مقابله با دشمن باشد (همان، ۲۰ شهریور ۱۳۷۳).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، انواع مبارزه مشتمل بر مبارزه علمی، مطبوعاتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی است و در یک تقسیم‌بندی، به مبارزه آشکار و مبارزه پنهان تقسیم می‌گردد و وجه مشترک همه اقسام مبارزه، مقابله با یک خصم است (همان، ۲۵ تیر ۱۳۸۶).

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که «جهاد» به معنای «مبارزه» در زبان فارسی بوده و قائم به مؤلفه‌هایی است. اولین مؤلفه آن است که بذل تلاش با بیشترین توان باشد، و دوم اینکه در مقابله با دشمن صورت بگیرد.

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان درباره مفهوم «جهاد» به این نتیجه رسید که «جهاد» عبارت است از: عملی که در جهت پسند و اراده الهی، با حداکثر توان و در مواجهه با دشمن صورت بگیرد.

ارزش‌ها جای دارد که به رفتار انسان عمق می‌بخشد و زیرساخت آنها اندیشه و تفکر است.

فرهنگ در نگاه کارکردی، نقش عمده‌ای در جامعه دارد که اساسی‌ترین آن نظام‌بخشی به رفتارها و کردارهای افراد جامعه و تربیت آنها بر اساس الگوهای هنجاری خاص و نیز شکل‌دادن به شخصیت آنهاست (همان).

آنچه ذکر شد مقدمه‌ای بود برای رسیدن به تعاریفی که مقام معظم رهبری به‌عنوان یک صاحب‌نظر ارائه داده‌اند.

ایشان در ضمن فرمایش‌هایی، «فرهنگ» را این‌گونه توضیح می‌دهند: «فرهنگ یعنی: باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دایمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنهاست» (حسینی خامنه‌ای، فروردین ۱۳۹۳).

خلاصه آنکه فرهنگ را باید مجموعه باورها و اعتقادات و آداب و رسوم و ارزش‌هایی دانست که حرکت جمعی یک ملت را در یک جهت خاص نظم داده و مظاهر زندگی و حیات یک ملت را به شکلی خاص نمایان می‌سازد.

## ب. جهاد

**معنای لغوی:** کلمه «جهاد» در عربی، مصدر ثلاثی مزید باب مفاعله از ماده «جهد» است. «جهد و جهد» در زبان عربی، به معنای «طاقت، مشقت، نیرو و سختی» آمده است؛ اما این معنی وقتی در باب مفاعله به کار می‌رود در قالب «مجاهده و جهاد»، معنای تلاش همراه با رنج را می‌رساند (رک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۸). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معنای لغوی «جهاد»، نوعی تلاش مضاعف و با حداکثر طاقت نهفته است.

**معنای اصطلاحی:** این واژه در اصطلاح، یکی از واژه‌های رایج و پرکاربرد قرآنی است. در کاربرد قرآنی، «جهاد» معانی متفاوتی را افاده می‌کند که یکی از این معانی به‌کارگیری تمام توان در دفع دشمن و راندن اوست (رک: راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۳ و ۴۲۴). اگرچه این واژه در قرآن گاهی به معنای «قتال و جنگ» به کار رفته، اما گاهی نیز به معنای «بذل تمام توان و تلاش و کوشش شدید در امری» آمده است (رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۵۳۵).

بنابراین، می‌توان گفت: واژه «جهاد» در کاربرد قرآنی نسبت به

## فرهنگ جهادی

«فرهنگ جهادی» را باید آمیزه‌ای از مفاهیم ارزشمندی همچون «فرهنگ»، «جهاد»، «رزمندگی»، «تلاش بی‌وقفه» و «سازمان‌دهی بهینه» دانست. این مفهوم، که یک مفهوم برخاسته از ارزش‌های اصیل اسلامی است، به طور خاص در گستره تشیع و در دوران معاصر در قالب انقلاب اسلامی قابل مشاهده است.

می‌توان گفت: فرهنگ جهادی عنصری است که از یک سو، بار فرهنگی دارد؛ یعنی هم مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات و آداب و رسوم رایج است و هم نظم‌دهنده به حرکت جمعی یک ملت در جهتی خاص است. به عبارت دیگر، نمایانگر مظاهر زندگی و حیات یک ملت به شکلی خاص است. از سوی دیگر، ارزشی متعالی و اسلامی مانند جهاد را در جامعه به فعلیت می‌رساند. به بیان دیگر، «فرهنگ جهادی» یعنی اینکه روحیه ایثار، تلاش مضاعف، مبارزه و مقاومت در مقابل دشمن در همه عرصه‌ها در یک ملت تبدیل به فرهنگ رایج شده و مورد اقبال عمومی قرار گیرد. در این صورت، فایده این فرهنگ آن است که ملت آماده مبارزه هرگز طعم شکست را نخواهد چشید و همه دشمنی‌ها و توطئه‌ها در مقابل این ملت نقش بر آب خواهد شد (همان، ۲۲ مهر ۱۳۹۰).

## ابعاد فرهنگ جهادی

فرهنگ جهادی مختص زمان جنگ و میدان جهاد نظامی نیست، بلکه در همه عرصه‌های مادی و معنوی مورد نیاز یک ملت می‌تواند تأثیرگذار باشد. بدین‌رو، گاهی ممکن است این مبارزه در عرصه رزمی باشد که به آن «جهاد رزمی» یا «نظامی» گفته می‌شود، اما ممکن است گاهی این مبارزه در عرصه سیاسی باشد که «جهاد سیاسی» شکل می‌گیرد، و گاهی در عرصه فرهنگی نیاز به مجاهده است که «جهاد فرهنگی» رخ می‌نماید (همان، ۲۰ خرداد ۱۳۷۵).

جهاد در عرصه سازندگی، دیپلماسی، علمی و مانند آن نیز قابل تصور است که همگی نشئت‌گرفته از روحیه جهادی در یک ملت انقلابی و مسلمان است. در نهایت، نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نیست این است که گاهی برای فرهنگ جهادی تعابیری همچون «فرهنگ بسیجی»، «فرهنگ رزمندگی»، «روحیه جهادی»، «فرهنگ مبارزه» و مانند آن به کار می‌رود که همگی مبین فرهنگ جهادی است.

## شاخص‌های فرهنگ جهادی

### ۱. اخلاص

«اخلاص» را باید اساسی‌ترین شاخص فرهنگ جهادی دانست؛ زیرا اولاً، یکی از اسرار الهی است که خداوند آن را در دل خاصان و محبوبان خود قرار می‌دهد. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: جبرئیل از جانب خداوند - عز و جل - خبر داد که اخلاص سرّی از اسرار من است و من آن را به دل بندگانی که دوستشان دارم، می‌سپارم (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۶۸). ثانیاً، در سایه اخلاص، سایر شاخص‌ها امکان تحقق دارند. امام علیؑ می‌فرماید: «چون اخلاص تحقق یابد، دیده بصیرت روشنی گیرد (همان، ص ۳۸۲). این در حالی است که سایر شاخص‌ها نیز می‌تواند بر اخلاص اثرگذار باشد (حسینی خامنه‌ای، ۴ آذر ۱۳۸۹).

با مراجعه به اهل لغت، درمی‌یابیم که اصل اخلاص به معنای «چکیده، عصاره، برگزیده و صافی هر چیز» است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۳۱). کاربرد این کلمه در امور معنوی و عبادت، نشان‌دهنده آن است که باید نیت فرد در انجام عمل معنوی، خالص و برگزیده و محض برای خدای تعالی باشد. به گفته *راغب اصفهانی*، «حقیقت معنای اخلاص در پرستش، تبری و دوری از هر چیزی غیر خدای تعالی است» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۶۲۵). از این‌رو، بی‌ریا بودن و منزّه و پاک بودن عبادت از هر عیب و نقصی را می‌توان مرادف «اخلاص» دانست (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۳۱). در توضیح تعریفی که *فرهنگ اجددی* ارائه داده است، باید گفت: این تعریف تفکیکی بین حسن فعلی و فاعلی قابل نشده، درحالی که اخلاص در حقیقت، دارای حسن فاعلی است، و «پاک‌کردن عبادت از عیب و نقص» را باید مرادف با «اخلاص» دانست.

از منظر رهبری، «اخلاص» به معنای آن است که انسان کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه انجام دهد. بنابراین، انسان مخلص برای هوای نفس و رسیدن به مال و ثروت یا مقام و نام نیک کاری را انجام نمی‌دهد و قضاوت تاریخ و انگیزه‌های نفسانی در نیت او تأثیری ندارد و رذایلی مانند حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی نمی‌تواند برای او انگیزه انجام عمل قرار گیرد، درحالی که کار را برای خدا و محض انجام وظیفه محقق می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۵ آذر ۱۳۷۶).

با این معنا، معظم له اخلاص را پایه و اساس کار بسیج، که

جهادی بوده و معنویت و تقوا را در حد‌اعلای آن داراست (همان، ۱۸ خرداد ۱۳۶۸). از این‌رو، مقام معظم رهبری نقطه‌اساسی در زندگی انقلابی و رفتار مجاهدانه امام خمینی<sup>ع</sup> را این می‌دانند که حضرت امام در اراده الهی و تکلیف شرعی محو می‌شد و هیچ چیز برایش غیر از انجام تکلیف مطرح نبود (همان، ۱۹ خرداد ۱۳۶۸).

در عصر انقلاب اسلامی، یک اصطلاح در ادبیات انقلابی و سیاسی اسلام رواج یافت که از قول امام خمینی<sup>ع</sup> بیان می‌گردید و آن اینکه «ما مأمور به تکلیف هستیم و نه مأمور به نتیجه» (موسوی خمینی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۲۸۴). این اصطلاح، که حاصل نگاه ژرف و بصیر حضرت امام بود، حاکی از آن است که نباید به بهانه منتج بودن یا نبودن یک حرکت، از زیر بار وظایف و تکالیف الهی شانه خالی کرد، بلکه باید نگاه انسان به سمت انجام تکلیف و وظیفه باشد (همان، ۱۸ خرداد ۱۳۶۸). نتیجه چنین نگاهی این است که شخص وقتی برای انجام تکلیف کار می‌کند در صورت موفقیت در انجام تکلیف، احساس پیروزی می‌کند، اگرچه به مقصود خود دست پیدا نکند (همان). بنابراین، در چنین شرایطی شکست معنا ندارد و چه نتیجه مورد نظر به دست آید یا به‌ظاهر موفقیت حاصل نشود به خاطر انجام تکلیف، شخص از میدان آزمون الهی پیروز و سرافراز بیرون آمده است. بنابراین، هدف نهایی جلب رضای خدا و ادای تکلیف است که حتی از پیروزی هم بالاتر است؛ یعنی اگر شخص در صورت پیروزی از خدا دور گشت، مغلوب شده است؛ اما اگر به هدفش دست نیافت، اما تکلیف خود را انجام داد، این پیروزی و پیشرفت است (همان، ۵ اسفند ۱۳۶۸).

البته این تأکید بر انجام تکلیف در دل خود، اسراری دارد که با دقت در رفتار و گفتار بزرگان دین و رهبران وارسته انقلاب می‌توان به آن دست یافت. یکی از این اسرار دوری از یأس و ناامیدی و شوق به حرکت و تلاش در جهت تحقق آرمان‌های اسلامی است. بر اساس دیدگاه تکلیف‌مدارانه امام راحل و پیروان ایشان، که ناشی از درس آموختن در مکتب اهل‌بیت پیامبر<sup>ص</sup> و الهام گرفتن از قیام باشکوه اباعبدالله الحسین<sup>ع</sup> است، حتی در صورت شکست ظاهری و بالاتر از آن، کشته شدن در راه خدا و در راه انجام تکلیف الهی، باز هم انسان مغبون نبوده و به هدف اصلی، که انجام تکلیف الهی بوده، نایل شده است. در چنین شرایطی، نه تنها جای یأس و ناامیدی نیست، بلکه احساس شور و شوق و امید بر انسان حاکم می‌شود (همان).

به‌عنوان الگوی برتر فرهنگ جهادی مطرح است، می‌دانند و بارها خطاب به بسیجیان تأکید می‌کنند که باید اخلاص را به‌عنوان یکی از عناصر موفقیت در جهاد در کنار سایر عناصر، مثل بصیرت و عمل بهنگام به کار گیرند (همان، ۲ آبان ۱۳۸۹)، تا جایی که عمده موفقیت نیروهای جهادی کشور را در گذشته، به‌ویژه دوران دفاع مقدس، در عامل معنوی اخلاص می‌دانند و به صراحت، بیان می‌دارند که اگر اخلاص و عامل معنوی را از نیروهای نظامی ما بگیرند هیچ چیز برایشان باقی نمی‌ماند (همان، ۱۱ آذر ۱۳۷۰).

بنابراین، شاخص اخلاص یکی از شاخص‌های اصیل و اساسی فرهنگ جهادی است که ریشه در تعالیم قرآن و فرمایش‌ها و سیره اهل‌بیت<sup>ع</sup> دارد و بدون آن فرهنگ جهادی فاقد محتوا و معنای اصلی خودش خواهد بود.

## ۲. تکلیف‌مداری

«تکلیف»، که در فارسی به معنای «وظیفه، دستور و کار واجب» است، در اصل، از ماده «کلف» و مصدر «کلفت» به معنای سختی و رنج است و گویا این معنا را می‌رساند که وظیفه‌ای بر عهده کسی نهاده شود که در انجام آن وظیفه به مشقت و سختی بيفتد (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه تکلیف) و این مناسب معنای کلمه تکلیف در بعضی لغت‌نامه‌های فارسی است که آن را به «رنج افکندن و بار کردن» معنا کرده‌اند (معین، ۱۳۶۲، ذیل واژه تکلیف). در اصطلاح شرعی نیز به اموری که شخص از سوی شارع موظف به انجام آن است «تکلیف» می‌گویند. به فرموده مقام معظم رهبری: «تکلیف» به معنای کُلفت را بر دوش کسی بار کردن است، و خدا بزرگ‌ترین مکلف، و انسان برترین مکلف است (حسینی خامنه‌ای، ۲۲ تیر ۱۳۷۳).

در اصطلاح سیاسی نیز تکلیف به وظیفه مردم در قبال حکومت و لزوم رعایت قوانین و مقررات آن حکومت گفته می‌شود. اما در کنار همه اینها، وقتی در میان شاخص‌های فرهنگ جهادی از «تکلیف» و «تکلیف‌محوری» سخن به میان می‌آید، مقصود احساس وظیفه هر انسان مسلمان انقلابی و مجاهد نسبت به انقلاب و آرمان‌های آن است، به‌گونه‌ای که این احساس وظیفه شخص را به میدان دفاع از انقلاب و حرکت در مسیر انقلاب و جهاد در راه خدا هدایت کند. در این صورت، شخص دارای یکی از عناصر مهم روحیه و فرهنگ

(همان، ۶ اسفند ۱۳۸۸). این خط فکری را می‌توان در قرآن کریم به‌وضوح دنبال کرد؛ آنجا که مؤمنان را به اطاعت از خدا و رسول فرا می‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم پیامبرند) اطاعت نمایید. نیز آیه شریفه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱)؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید پس از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد.

معنای «ولایت» را می‌توان پیوستن و وصل شدن دانست، و وقتی که در فرهنگ سیاسی اسلام به کار می‌رود به معنای آن است که افراد جامعه هماهنگی و اطاعت کاملی نسبت به ولی جامعه، اعم از معصوم یا جانشینان معصوم داشته باشند (حسینی خامنه‌ای، ۲۸ دی ۱۳۶۸).

شاخص اطاعت از رهبری در نظام اسلامی با سایر نظام‌ها تفاوت دارد. در نظام اسلامی، حاکمیت و سرپرستی جامعه از آن خداوند است و هیچ انسانی حق ندارد بدون اذن او اداره امور سایر انسان‌ها را به دست گرفته یا بر آنان حکم براند، خداوند این حاکمیت را از مجاری خاصی اعمال می‌کند (همان، ۲۰ تیر ۱۳۶۹). نمونه این حاکمیت الهی در جامعه، حاکمیت انبیا و ائمه معصومین است. از آن‌رو که رهبری جامعه رهبری الهی است و باید شاخص‌های ولایت الهی را دارا باشد، بنابراین، اطاعت از او در راستای اطاعت از خداوند بوده و تکلیف شرعی است، درحالی‌که در سایر نظام‌های غیر الهی، رهبری به سبب مآذون نبودن از سوی خداوند برای حکومت، طاغوت شمرده شده و اطاعت از او در شرایط عادی مستلزم شرک و حرام است. به‌طور کلی، می‌توان گفت: «ولایت یعنی: پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک» (همان، ۲۹ آذر ۱۳۶۸)؛ بدین‌معنا که همه اجزای جامعه اسلامی با یکدیگر و با محور جامعه، یعنی ولی اتصال و هماهنگی دارند و از این‌روست که یک اتحاد و ائتلاف اعتقادی و همچنین عاطفی در جامعه شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، جامعه اسلامی می‌تواند عناصر همسو با خود را، حتی در بیرون جامعه و در بین سایر ملل جذب کرده، اقدام به دفع دشمنان خود نماید. در این صورت، لازمه توحید، جامعه اسلامی و ولایت است: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ در برابر کفار نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربان‌اند (حسینی

نتیجه دیگر این نگاه مدد گرفتن از غیب و تکیه به خداوند تعالی و وعده‌های اوست؛ زیرا وعده الهی بر این است که هر کس او را یاری کند و برای او قدم بردارد خداوند هم او را یاری خواهد کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّبِعُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را (پیامبر و دین و کتاب او را) یاری نمایید خدا هم شما را (در رسیدن به اهدافتان) یاری می‌کند و قدم‌های شما را استوار می‌سازد.

نکته مهم البته این است که وقتی می‌گوییم «ما مأمور به انجام وظیفه هستیم و نه مأمور به نتیجه»، به معنای این نیست که ما به دنبال نتیجه نیستیم و یا کار بیهوده و بدون نتیجه انجام می‌دهیم، بلکه ما همان‌گونه که مکلف به تکالیف الهی هستیم، مکلفیم که کار را به بهترین وجه و عقلانی‌ترین صورت به انجام برسانیم تا حتی‌المقدور، بهترین نتیجه از آن کار عاید شود. اما در انجام این کار، مصلحت بالاتر یا نتیجه مطلوب‌تری را، که همان انجام تکلیف است، مد نظر قرار می‌دهیم. بنابراین، تکلیف‌محوری منافاتی با در نظر گرفتن نتیجه و به دنبال نتیجه بودن ندارد، بلکه گویای آن است که اگر ما با اخلاص به دنبال عمل به تکلیف باشیم خداوند بهترین نتایج را برای کار ما قرار خواهد داد (حسینی خامنه‌ای، ۶ مرداد ۱۳۹۲).

در نهایت، می‌توان گفت: مهجور ماندن فرهنگ تکلیف‌مداری و عمل به وظیفه در جامعه اسلامی موجب می‌شود جامعه دگرگون شده، فضایل را به فراموشی نهند و همانند قیام عاشورا، فضایل و اهل فضیلت به مسلخ کشانده شوند که این دقیقاً همان خواست و اراده دشمن است (همان، ۲۲ تیر ۱۳۷۱).

### ۳. اطاعت از رهبر

عنصر «ولایت‌پذیری» یا همان «اطاعت از رهبر» نیز یکی از شاخص‌هایی است که موجب پویایی و سرزندگی فرهنگ جهادی شده، در هر دوره‌ای می‌تواند حرکت عظیم جامعه اسلامی به سمت اهداف آرمانی خود را تضمین کند. برای این شاخص، عناوین گوناگونی را می‌توان یافت که بر این شاخص دلالت دارند، مثل اطاعت از رهبری، ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری.

می‌توان گفت: اساس نظام اسلامی بر اطاعت از خداوند استوار است؛ و همین نکته تفاوت اصلی نظام اسلامی با سایر نظام‌هاست

خامنه‌ای، ۲۹ آذر ۱۳۶۸). از اینجاست، باید گفت: مسئله حکومت و ولایت و حاکمیت والای جامعه مهم‌ترین و حساس‌ترین مسئله‌ای است که یک ملت با آن مواجه بوده و تعیین‌کننده‌ترین مسئله برای آن ملت است (همان، ۲۰ تیر ۱۳۶۹).

بنا به نظر مقام معظم رهبری، منظور امیرمؤمنان علیه السلام از «سفارش به نظم» در نهج‌البلاغه که می‌فرماید: «و نظم امرکم» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۲۱)، انسجام اجتماعی در حمایت و اطاعت از رهبر جامعه است؛ یعنی در اقامه نظام و حکومت به صورت منظم و یکپارچه عمل کنید تا رهبر جامعه اسلامی بتواند به خوبی از عهده هدایت جامعه به سمت کمال مطلوب برآید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳ اسفند ۱۳۷۲).

نقطه مقابل اطاعت «عصیان» است؛ یعنی اگر مردم و ملتی رهبر خود را تنها گذاشتند و فرمان او را اطاعت نکردند به واسطه این عصیان، شایسته شکست و خذلان هستند (همان، ۲۰ شهریور ۱۳۷۳).

در دوران جمهوری اسلامی نیز هر جا عدم اطاعت مشاهده شد، فاجعه به وجود آمد. هر جا اطاعت بود، کار به رشد و صلاح و خیر انجامید (همان، ۲۰ شهریور ۱۳۷۳).

#### ۴. بصیرت

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ جهادی «بصیرت» است. مواجهه با دشمن نیاز به شناخت عمیق و دقیق از وضعیت خود و دشمن دارد. بدین‌رو، برای غلبه بر دسیسه‌های دشمن، نیازمند بصیرت و آگاهی در جبهه خودی هستیم. لغت‌شناسان «بصیرت» را به معنای بینایی، دانایی، بینایی دل، بینش، چشم عقل و چشم دل معنا کرده‌اند (رک: دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۴۲۰۶). اولین نکته در این زمینه آن است که «بصیرت» صرفاً به معنای دیدن با دیده سر نیست، بلکه به میزان زیرکی و تعقل و تفتن شخص برمی‌گردد. *راغب اصفهانی* نیز با اشاره به آیاتی از قرآن کریم، معنای «قدرت ادراک دل» را نیز جزو مفاد ماده «بصیرت» می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۵). صاحب *قاموسی* نیز همین معنای درک قلب را درباره واژه «بصیرت» صحیح دانسته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۵ و ۱۹۶).

مقام معظم رهبری بارها در تبیین شاخص‌های انقلابی بودن و ملزومات مقاومت و جهاد در مقابل استکبار، بر شاخص «بصیرت»

تأکید کرده و آن را از اساسی‌ترین ارزش‌های انقلاب در مواجهه با دشمنان برشمرده‌اند. ایشان در یک تعریف ابتدایی، «بصیرت» را به معنای «گم نکردن راه، اشتباه نگرفتن راه، دچار بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه خناسان و اشتباه نگرفتن کار و هدف» دانسته‌اند (حسینی خامنه‌ای، ۱۹ دی ۱۳۹۰).

معظم له شاخص «بصیرت» را شاخص اصلی بسیج می‌دانند:

معیار بسیج، بصیرت است و ایمان. ... بصیرت به او تفهیم می‌کند که چگونه حرکت کند، معیارها را چگونه تشخیص بدهد، راه را چگونه طی کند (همان، ۴ آذر ۱۳۸۸).

طبق نظر رهبر انقلاب، در تحلیل شاخص «بصیرت» دو سطح را می‌توان تحلیل و ارزیابی کرد: نخست سطح اصولی و مرتبط با جهان بینی؛ و سطح دیگر، که روبنایی است، بصیرت مرتبط با حوادث و وقایع روز است. در سطح اصولی، انسان در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، حایز بصیرت می‌شود که همان هدفمندی دنیا و طبیعت و در نتیجه، انسان است. این نوع نگرش لازمه نگاه توحیدی است. لایه دوم بصیرت مرتبط با حوادث گوناگون است. این بصیرت به معنای آن است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کرده، سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند (همان، ۴ آبان ۱۳۸۹).

در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌توان حرکت کرد. بصیرت در هدف، وسیله، شناخت دشمن، شناخت موانع راه، شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع لازم است (همان، ۱۵ مهر ۱۳۸۸).

#### ۵. عمل بهنگام

یکی از شاخص‌های فرهنگ جهادی شاخص «عمل بهنگام» است. این شاخص به نوعی کامل‌کننده شاخص «بصیرت» است و هر کدام - به ترتیب - ناظر به دو بعد شناختی و عملی فرهنگ جهادی هستند. شاخص «بصیرت» در مرحله شناختی، به فرد توان شناخت و وظیفه می‌دهد، و شاخص «عمل بهنگام» او را موفق به اجرای به موقع محتوای این شناخت، یعنی وظیفه لازم می‌کند.

در طول تاریخ نیز هر جا مردم در جبهه حق در کنار یک رهبر

الهی با بصیرت توانسته‌اند به موقع وظیفه خود را انجام دهند، لحظات تاریخ‌سازی رقم خورده و منشأ آثار و برکات بسیاری گردیده است. اما اگر جایی پای مردم یا خواص لغزیده و با وجود تشخیص وظیفه، در موقع لازم اقدام مقتضی انجام نداده‌اند رهبران الهی تنها مانده و خانه‌نشین شده، یا به مسلخ رفته‌اند و طواغیت توانسته‌اند از این فضا برای دنیای خود حداکثر بهره را ببرند. برای نمونه، می‌توان به ظهور اسلام و همراهی مردم با پیامبر، رویگردانی از امیرالمؤمنین (ع) و غصب خلافت و حادثه عاشورا و اتفاقات بعد از آن اشاره کرد (ر.ک: همان، ۲۰ خرداد ۱۳۷۵).

«عمل بهنگام» یا همان «لحظه‌شناسی» شاخصی است که در صورت نبود آن، سایر عناصر نتیجه نخواهد داد یا - دست‌کم - توقع نتیجه مطلوب از سایر عناصر در نبود آن چندان صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همه بصیرت‌ها و اخلاص‌ها در مقام عمل، اگر منجر به اقدام شایسته در وضعیت مطلوب و زمان مناسب نگردد عملاً بی‌نتیجه بوده یا حتی ممکن است نتیجه عکس بدهد. بنابراین، رهبر انقلاب برای نشان دادن اهمیت وقت‌شناسی در فرهنگ جهادی می‌فرماید:

لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند (همان).

#### ۶. استقامت

«ایستادگی، استقامت و ثبات قدم» را باید یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ جهادی نامید. این شاخص، که به علت ایفای نقش مهم خود در فرهنگ جهادی، گاه مرادف با خود کلمه «جهاد» و «مقاومت» به کار می‌رود، در حقیقت در کنار سایر شاخص‌های فرهنگ جهادی قرار دارد. طبق تعریف اهل لغت، «استقامت» به معنای «ایستادگی، پایداری، ثبات و سکون و آرامش» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۱۹۱) و ایستادگی کردن» بوده و معنای «مقاومت در برابر چیزی» نیز از آن استفاده می‌شود (ر.ک: معین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۵).

بدین‌روی، استقامت و ثبات قدم یکی از مفاهیم ارزشمند و قابل توجه ویژه در فرهنگ اسلامی است، تا جایی که قرآن کریم گاهی در ستایش اهل ایمان، آنان را پایدار بر طریق حق می‌خواند: «إِنَّ

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ بی‌تردید، کسانی که (از ته دل) گفتند: پروردگار ما الله است، سپس (در مرحله عمل) پایداری ورزیدند فرشتگان بر آنها (در دنیا به نحو تأیید غیبی، یا در وقت مرگ، یا هنگام برانگیخته شدن از قبر) فرود آیند (و گویند): هرگز مترسید و غمگین نشوید و شما را مژده باد به بهشتی که (در دنیا) وعده داده می‌شدید.

علامه طباطبائی «استقامت» را به این معنا گرفته که مؤمنان از آنچه به حقانیت آن شهادت داده‌اند منحرف نشده و رفتاری برخلاف آن یا لوازم آن انجام نمی‌دهند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۹۹). پس می‌توان گفت: «استقامت» یعنی: بیراهه نرفتن، خط را گم نکردن و هدف را فراموش نکردن (حسینی خامنه‌ای، ۱۴ آذر ۱۳۶۹).

از این منظر، مقام معظم رهبری «استقامت» را یکی از شاه‌کلیدهای حل مشکلات کشور و نظام اسلامی دانسته، شرط اصلی انقلابی بودن را پایداری بر صراط مستقیم ارزش‌ها و مبانی اسلام ناب می‌دانند و معتقدند: اسم این پایبندی به مبانی و ارزش‌ها در تعبیر قرآنی، «استقامت» است (همان، ۱۴ خرداد ۱۳۹۵). از جمله لوازم استقامت، این است که مسیر و جهت‌گیری را گم نکنیم. همچنین لازم است که دائم خطاهای خود را اصلاح کرده، از نقد دیگران آزرده‌خاطر نگردیم (همان، ۲۱ آذر ۱۳۸۰).

در خصوص اهمیت شاخص «استقامت» همچنین باید گفت: «چالش اصلی همه تحولات بزرگ اجتماعی - از جمله انقلاب‌ها - صیانت از جهت‌گیری‌های اصلی این انقلاب یا این تحول است» (همان، ۱۴/خرداد/۱۳۸۹)؛ یعنی جهت‌گیری هر انقلاب یا حرکت انقلابی به سمت هدف‌هایی که برای خود ترسیم کرده است باید حفظ شود، وگرنه آن انقلاب از مسیر اصلی خود منحرف شده، حتی به ضد خود تبدیل می‌شود و درنهایت، برعکس اهداف خود عمل می‌کند. از این‌رو، خدای متعال در قرآن کریم به پیغمبرش می‌فرماید: «فاستقم كما امرت و من تاب معك و لا تطغوا انه بما تعملون بصير» (هود: ۱۱۲)؛ پس همان‌گونه که مأمور شده‌ای (بر عقاید و اعمال و ابلاغ دینت) پایدار باش و همچنین کسانی که با تو (به سوی خدا) رو آورده‌اند؛ و طغیان نکنید که او به آنچه بجا



## منابع.....

- نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵، فرهنگ ابجدی، اسلامی، چ دوم، تهران، دفتر نشری فرهنگ اسلامی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب: در: Leader.ir; Khamenei.ir
- جعفرپور کلوری، رشید، ۱۳۸۹، فرهنگ سیاسی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی، سیدابراهیم، ۱۳۹۱، جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۳۷۴، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، چ دوم، تهران، مرتضوی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، چ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۹، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ یازدهم، قم، دارالحدیث.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۷، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- معین، محمد، ۱۳۶۲، فرهنگ فارسی، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.

می‌آورید بیناست. در مقابل «استقامت»، «طغیان» را به کار برده، پیامبر را تهدید می‌کند که اگر استقامت نکنید دچار طغیان خواهید شد؛ زیرا:

تغییر جهت‌گیری‌ها و منحرف شدن از راه اصلی - که هویت اصلی هر انقلابی به آن جهت‌گیری‌هاست و درواقع، سیرت انقلاب‌ها همین جهت‌گیری‌های اصلی است - به کلی راه را عوض می‌کند و این انقلاب به هدف‌های خود نمی‌رسد (حسینی خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۸۹).

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص «استقامت و پایداری بر مبانی و ارزش‌های اصیل اسلام و انقلاب» یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ جهادی است که می‌توان گفت: بدون آن جهاد و مقاومت معنا پیدا نمی‌کند.

## نتیجه‌گیری

عامل پویایی و حفظ شیعه از زمان پیامبر اکرم<sup>ص</sup> تا زمان حاضر، وجود فرهنگ جهادی و روحیه مجاهدت در بین شیعیان، به‌ویژه رهبران جامعه، بوده است. این فرهنگ می‌تواند جامعه را در مقابل موانع بی‌شمار پیشرفت مادی و تعالی معنوی - به‌ویژه دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها - ایمن کند. برای دستیابی به این مهم، لازم است شاخص‌های فرهنگ جهادی در جامعه احیا شود. با تمسک به شاخص‌های فرهنگ جهادی (یعنی: اخلاص، تکلیف‌مداری، اطاعت از رهبر، بصیرت، عمل بهنگام و استقامت) می‌توان به کارآمدی فرهنگ جهادی امید بست. البته برای فرهنگ جهادی می‌توان شاخص‌های دیگری نیز بیان داشت که آنچه مهم‌تر به نظر می‌آید در این نگارش به آن اشاره گردید؛ اما جا دارد پژوهشگران بر روی فرهنگ جهادی و شاخص‌های آن تمرکز کرده، راهکارهای اجرایی شدن آن در جامعه را بیشتر واکاوی و بررسی کنند.